

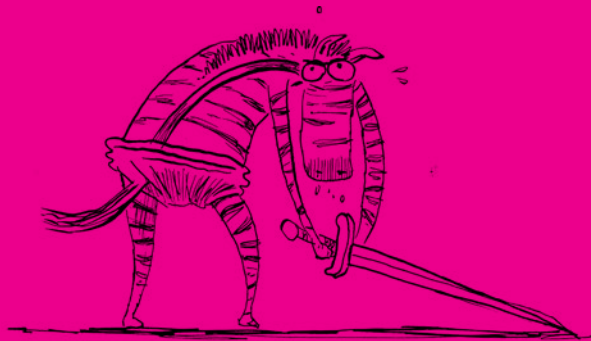
گورخند تلا دیاتور

مبارزه با رومی‌ها



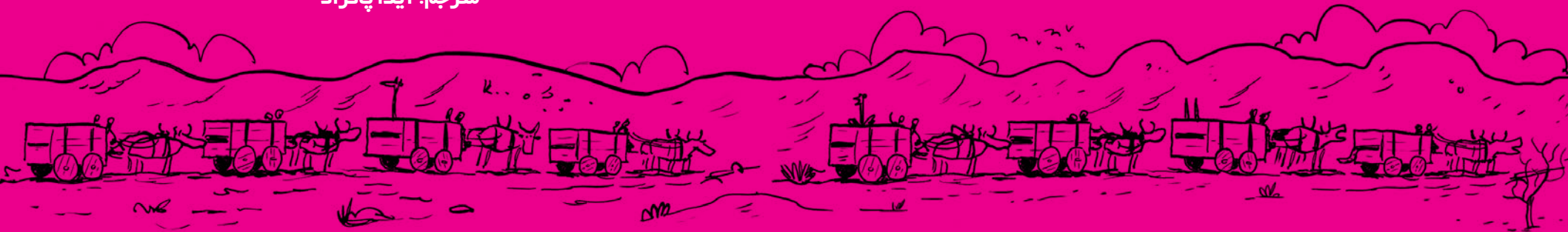
گورخر تلا دیاتور

مبارزه با رومی‌ها



نویسنده و تصویرگر: گری نور تفیلد

مترجم: آیدا پاکزاد



سرشناسه: نور تفیلد، گری، ۱۹۶۹ - م، پدیدآور، تصویرگر
Northfield, Gary

عنوان و نام پدیدآور: مبارزه با رومی‌ها/ نویسنده و تصویرگر گری نور تفیلد؛ مترجم آیدا پاکزاد.
مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲۹۴ ص. مصور.

فروست: گورخر گلابیاتور؛ ۱.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۰۳۹-۰ دوره؛ ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۰۳۸-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Rumble with the Romans, 2015.

موضوع: داستان‌های کودکان (انگلیسی) -- قرن ۲۱ م.

موضوع: Children's stories, English -- 21th century

شناسه افزوده: پاکزاد، آیدا، ۱۳۶۱ - مترجم

رده بندی کنگره: ۲ ۱۳۹۷ م ۲ ۱۳۶۱ - مترجم

رده بندی دیویی: ۸۲۳/۹۲ [ج]

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۰ ۹۵۳۸

گورخر گلابیاتور

مبارزه با رومی‌ها

نویسنده و تصویرگر: گری نور تفیلد

مترجم: آیدا پاکزاد

ویراستار: ناهید وثیقی

مدیر هنری: فرشاد رستمی

طراح گرافیک: مریم عبدی

ناظر چاپ: سینا برازوان

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: واژه پرداز اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۷

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۷۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۰۳۸-۳

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۰۳۹-۰

هوپا
Hoopa

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱،

واحد دوم غربی، صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰

www.hoopa.ir info@hoopa.ir

همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.

هرگونه استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در

قالب بخش‌هایی از آن، مجاز است.

JULIUS ZEBRA: RUMBLE WITH THE ROMANS!

Copyright © 2015 Gary Northfield

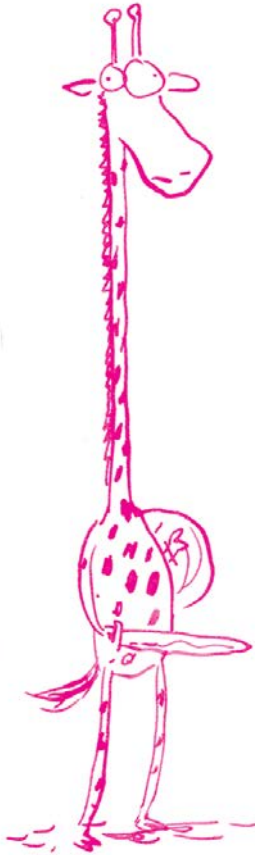
Published by arrangement with Walker Books Limited, London SE11 5HJ.

All rights reserved. No part of this book may be reproduced, transmitted, broadcast or stored in an information retrieval system in any form or by any means, graphic, electronic or mechanical, including photocopying, taping and recording, without prior written permission from the publisher.

نشر هوپا با همکاری آژانس ادبی کیا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright) امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از ناشر آن (Walker Books) خریداری کرده است.

رعایت «کیی رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسنده‌ی کتاب، گری نور تفیلد و ناشر خارجی آن، واکر بوکز برای چاپ این کتاب به زبان فارسی در ایران و همه‌ی جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش، سهم نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده است. اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت گری نور تفیلد این کار را کرده است.



تقدیم به

الکس میلوی

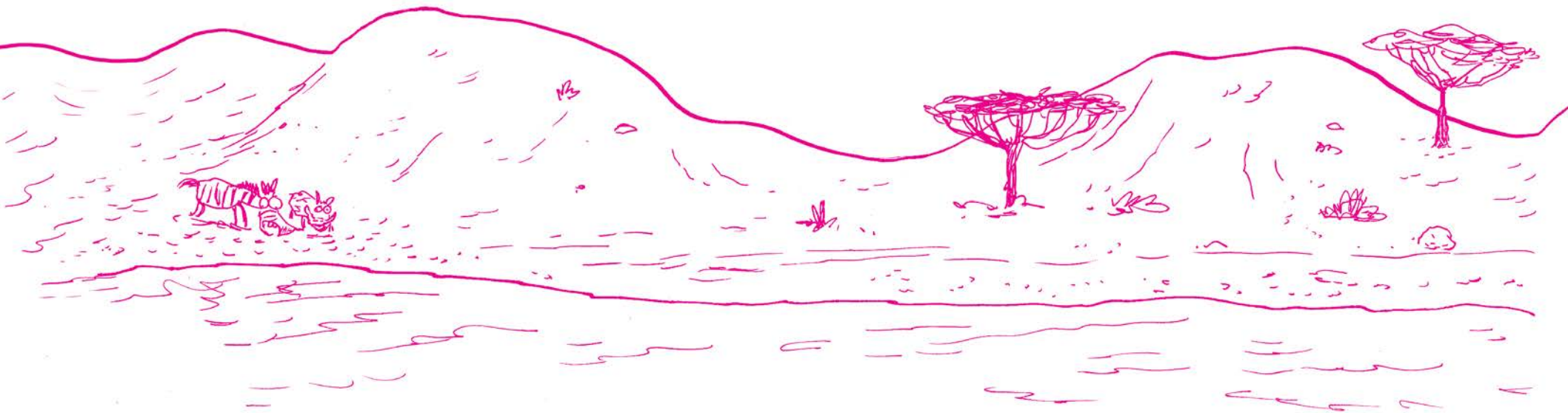
برای تشویق‌های پُرشور و شوقش
تشکر ویژه از لیزی و جک، بهترین
ویراستار و طراحی که آرزوی کار کردن
با آن‌ها را داشتم.

گری نور تغیلد

برای وحید و کلاغ‌ها

آ.پ

این داستان خیالی است. شخصیت‌ها، مکان‌ها و اتفاق‌ها در تخیل نویسنده ساخته شده‌اند یا اگر واقعی باشند، به صورت فرضی استفاده شده‌اند. همه‌ی توضیح‌ها، توصیف‌ها، فعالیت‌ها، مبالغه‌ها، اطلاعات و هر چیز دیگری که اینجا استفاده شده، فقط با هدف سرگرمی بوده و تکرار یا اعتماد کردن به صحت آن‌ها می‌تواند نتایج بدی داشته باشد.



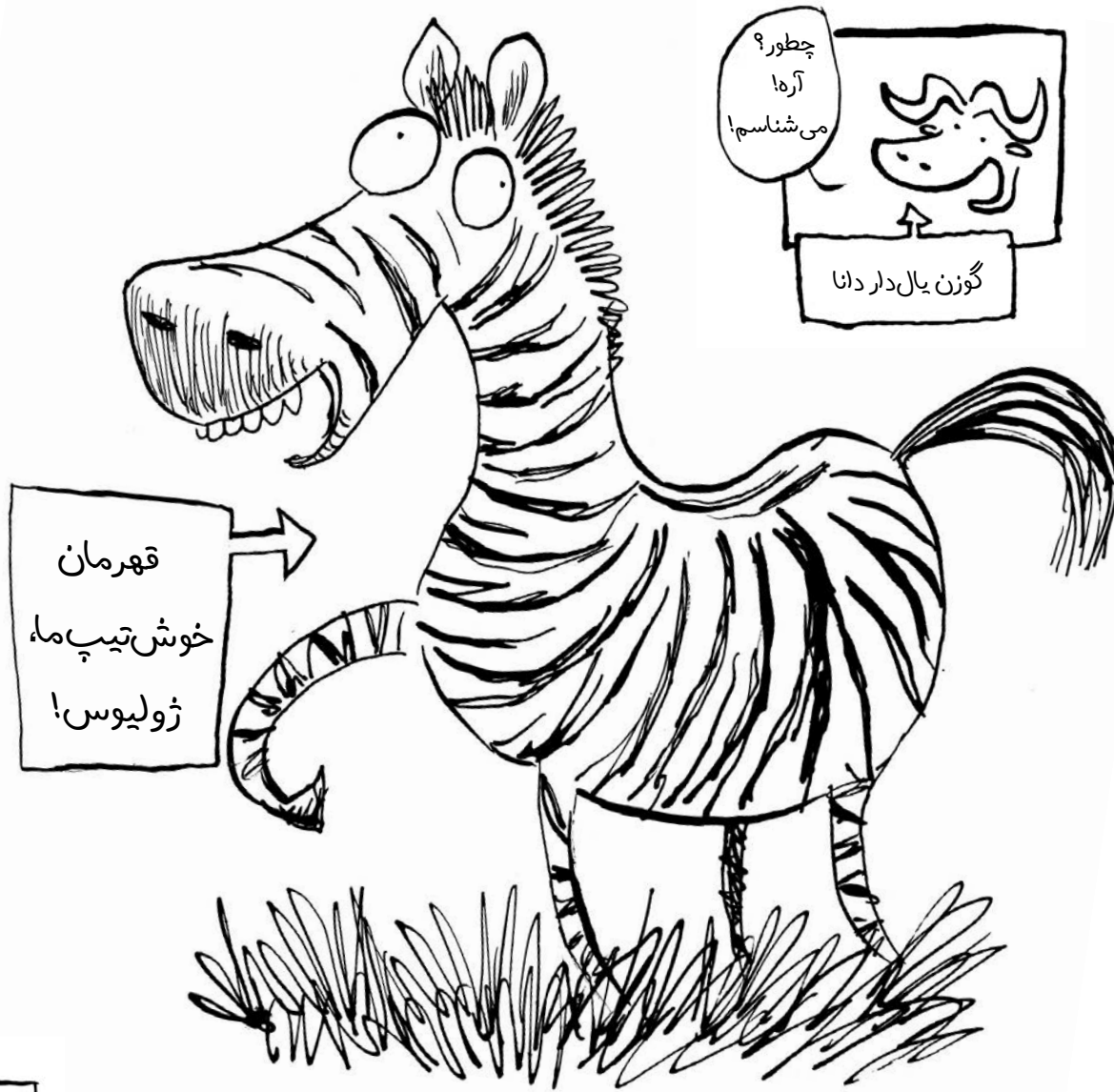
فهرست

CCXXV	قهرمانِ قهرمانان!
CCXXXIV	وقت نمایش!
CCLXVIII	مرحله‌ی نهایی
CCLXXXI	حرف آخر
CCLXXXIV	شمارش رومی
CCLXXXVI	واژه‌نامه‌ی گری

فهرست

X	مقدمه
XVII	دریاچه‌ی لعنتی
XXIV	چاله‌ی بوگندو
XLIII	در راه
LVI	دوباره در راه
LXIII	آمدم، دیدم، بالا آوردم!
LXIX	همه‌ی راه‌ها به روم می‌رسند!
LXXXI	میمون‌ها را به من نشان بده!
XCIX	نمایش شکار
CXXV	روز اول مدرسه
CLX	آماده‌ی نبرد
CLXXI	اولین خون
CXCVII	فرار بزرگ

خُب، فکر می کنی
گورخرها را می شناسی؟



خُب، احتمالاً اشتباه می کنی!



گوزن یال دار بد اخلاق

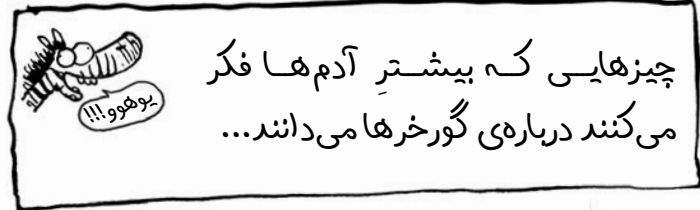
به خانواده و دوستانشان وفادارند!



می توانند از سریع ترین شیرها جلو بزنند!



همچنان بد اخلاق



ولی ژولیوس شبیه بقیه‌ی گورخرها نبود.
و وقتی بدانیم او در چه دورانی زندگی می‌کرده، همه چیز
جالب‌تر هم می‌شود...

در دوران روم باستان!



هیجان‌انگیز است، نه؟



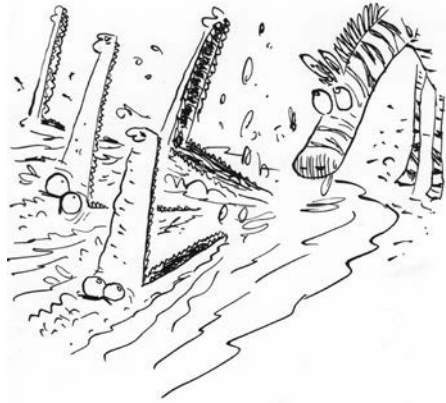
فصل اول

دریاچه‌ی لعنتی

زندگی ژولیوس در دشت‌های پُر از بوته و گردوخاک
آفریقا، همه‌اش به تفریح و بازی نمی‌گذشت. (توضیح
دقیق‌تر: به خوردن علف می‌گذشت!)
هر چهارشنبه مامانش، او و برادر مزاحم احمقش،
براتوس، را به دریاچه می‌برد، ولی ژولیوس از این کار
بیزار بود.
ژولیوس از دریاچه متنفر بود.



تازه اگر ترس همیشگی‌اش از خورده شدن را در نظر
نگیریم...



از آن طرف برادر ژولیوس، براتوس، عاشق دریاچه بود.

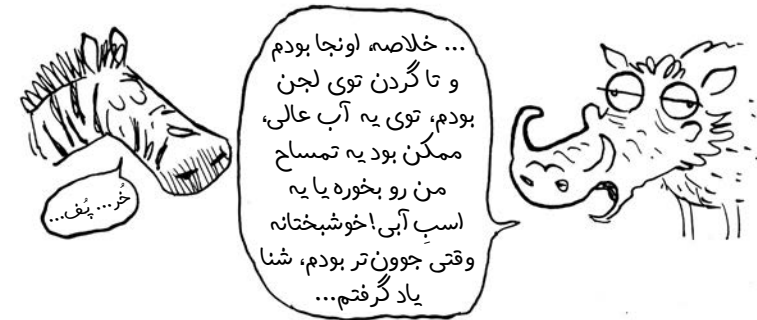


و هیچ چیز توی دنیا ژولیوس را بیشتر از برادر بزرگ
خودنمایش اذیت نمی‌کرد.

فکر می‌کرد همه‌ی حیوان‌ها بوگندو هستند.



و آن‌ها خیلی حوصله سر بر هستند.



... خلاصه، اونجا بودم
و تا گردن توی لجن
بودم، توی یه آب عالی،
ممکن بود یه تمساح
من رو بخوره یا یه
اسب آبی! خوشبختانه
وقتی جوون تر بودم، شنا
یاد گرفتم...

ژولیوس اعتراض کرد: «خُب اون شیرهای وحشی رو چی می‌گی؟»



«احتمال اینکه یه شهاب‌سنگ از آسمون بیاد و به تو آسیب بزنه، بیشتر از اینکه یه یکی از اون هیولاهای تنبل تو رو بگیره!»

ژولیوس گفت: «این احمقانه‌ترین چیزیه که تا حالا شنیدم! مسخره‌ست. من یه عالمه گورخر می‌شناسم که شیرها خوردنشون.»



به خاطر همین آن هفته، ژولیوس با یک نقشه‌ی جالب سعی کرد از رفتن به دریاچه دربرود. گفت: «بین مامان، من این گودال آب کوچولو رو پیدا کردم. همین برای من خوبه.»

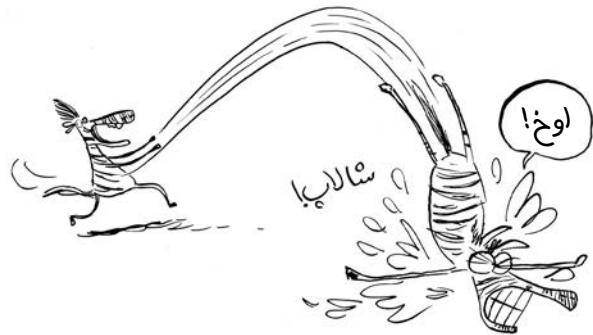


مامانش غرغر کرد: «نه! تو هم مثل بقیه می‌ای دریاچه!»
 «خُب اون همه تمساح چی می‌شه؟»
 مامانش گفت: «تو باید خیلی پیر یا احمق باشی که یکی از اون‌ها بتونه بگیردت.»





سُم‌های جلویی‌اش گرفت و بلند کرد و دور خودش چرخاند.
 «تو می‌تونی از این پشتک‌واروهای خفن توی گودالت
 بزنی؟ از این‌هایی که ما توی دریاچه می‌زنیم! بزن ببینیم!»



«نه! فکر نکنم! بجنب احمق، آخرین بار یه گراز اینجا بوده!»
 و بعد براتوس همراه بقیه‌ی گله خرامید و رفت.



«حالا فوری می‌ری سمت دریاچه وگرنه یه شیر با
 دندون‌های گنده، کوچیک‌ترین نگرانی‌ت می‌شه!»
 همان موقعی که ژولیوس داشت به پایین‌تنه‌ی کبودش
 رسیدگی می‌کرد، براتوس با فیس‌وافاده آمد سمتش.
 «بجنب داداش. دریاچه محشره! از گودال آب مسخره‌ی
 تو خیلی هیجان‌انگیزتره!»
 و قبل از اینکه ژولیوس بتواند کاری کند، براتوس او را با

فصل دوم
چالهی بوگندو



من می خوام
برم خونه!

واژه‌نامه‌ی گری

یا بدشانسی می‌دانند. شکل ابرها، واق‌واق سگ، پوشیدن یک صندل اشتباه در تعطیلات... خوشبختانه من در این روزگار مدرن که در برج جوزا قرار گرفته‌ایم، اصلاً به این مزخرفات اعتقادی ندارم.

نیزه‌ی سه‌شاخه: نیزه‌ای با سه شاخه‌ی نوک‌تیز که گلابیاتورهای چنگکی، رتیاربوس‌ها، از آن استفاده می‌کردند.

نمایش شکار: قبل از جنگ‌های اصلی گلابیاتوری، رومی‌ها به تماشای نمایش هزاران حیوان وحشی می‌نشستند که با کشتی از سراسر امپراتوری آورده شده بودند. آن‌ها توسط شکارچی‌هایی که تشنه‌ی خون بودند، برای سرگرمی کشته می‌شدند. رومی‌ها حتی میدان نمایش را با درخت تزئین می‌کردند تا شبیه جنگل‌های واقعی شود.

گلابیاتورهای شکارچی: گلابیاتورهایی که تخصصشان شکار حیوانات وحشی در جنگل‌هایی بود که توی میدان‌های نبرد ساخته می‌شد. کار دیگر گلابیاتورهای شکارچی پرورش حیوانات دست‌آموز برای سیرک بود، مثل آموزش تردستی به میمون‌ها!

اعتدال بهاری: هنگامی که طول شب و روز کاملاً مساوی است. روزی که خوش‌شانسی می‌آورید، البته اگر شلووار مناسبی پوشیده باشید!

عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا، ناشر کتاب‌های خوردنی



ناشر هوپا همگام با ناشران بین‌المللی، از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند؛ زیرا:
■ این کاغذها نور را کمتر منعکس می‌کند و در نتیجه، چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود؛
■ این کاغذها سبک‌تر از کاغذهای دیگر است و جابه‌جایی کتاب‌های تهیه‌شده با آن، آسان‌تر است؛
■ و مهم‌تر از همه اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر